

آموزش عالی در آستانه قرن بیست و یکم (گزارشی از کنفرانس جهانی آموزش عالی - ۱۹۹۸)

گردآورنده: مقصود فراستخواه (با همکاری احمد کبریایی)

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

جهان در حالی به استقبال قرن بیست و یکم می‌رود که با آزمونهای خطیری از تجربه فراصنعت و پساتجدد و دگرگونیهای ساختاری ژرف و پرشتاب مواجه است. انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات، انقلاب الکترونیک، تحولات مفهومی در نظامهای قدرت و ثروت، و تغییرات بنیادین فرهنگی، جوامع انسانی را در معرض تحول سریعی قرار داده است.

فرآیندهایی که منتهی به چنین دگرگونیهای بنیادین شده است، طبعاً در جهت‌گیریها و کارکردهای آموزش عالی و محیطهای دانشگاهی نیز تأثیر نهاده، و تغییراتی در اشکال و ساختار آنها پدید آورده است که پاره‌ای از آنها در جدول صفحه بعد نشان داده می‌شود:

روند تغییرات ساختاری در آموزش عالی از چند دهه گذشته

از	به ←
تعداد دانشجویان (در ۱۹۶۰=۱۳ میلیون نفر)	افزایش تقاضای دانشگاهی (در سال ۱۹۹۵=۸۲ میلیون نفر)
دانشگاه نخبه پرور	توده‌ای شدن آموزش عالی (Massification)
غلبه دانشجویان پسر	گسترش حضور زنان در دانشگاه
آموزش ادبیات، علوم انسانی، علوم محض و حرفه‌های آزاد مثل حقوق و پزشکی	گسترش آموزشهای فنی، حرفه‌ای و کاربردی مثل علوم ارتباطی و زیست‌محیطی - تنوع رشته‌ای، میان رشته‌ای و فرا رشته‌ای
نقش و کارکرد محدود: (آموزشهای رسمی)	تنوع نقش و کارکرد: آموزشهای پاره وقت، کوتاه مدت، آموزش از راه دور و به کمک رسانه‌ها، پژوهش، خدمات
ثبات برنامه‌های درسی	سیلان، فرآیندی شدن و قابلیت انعطاف برنامه‌های آموزشی و پژوهشی (فرآیندهای فرا رشته‌ای و میان رشته‌ای / Interdisciplinary)
دانشگاه دولتی	نقش مؤسسات غیردولتی در سرمایه‌گذاری آموزش عالی
تأمین هزینه‌های دانشگاه توسط دولت	تنوع منابع مالی و خودگردانی دانشگاهها از طریق ارائه خدمات و تحقیقات به مؤسسات دولتی و غیر دولتی
برنامه‌ریزی متمرکز و غیر قابل انعطاف آموزشی	محلی و منطقه‌ای شدن برنامه‌ریزی درسی و عدم تمرکز آن
برنامه‌های درسی موضوع محور	فرآیندهای آموزشی و پژوهشی مسئله‌نگر (Problem-Oriented)
فعالیت‌های علمی بسته، محدود و جداگانه	ارتباطات علمی با استفاده از فن‌آوریهای ارتباطی جدید و نظام‌نویس دانش‌رسانی مشارکت لحظه به لحظه در شبکه تعاملی پژوهشهای جهانی
دانشگاه درون‌گرا و در خود	دانشگاه برون‌گرا و پاسخگو به محیط (ارتباط با صنعت، خدمات، رسانه‌ها و ...)
آموزش مستقیم و حضوری	آموزش از راه دور - نقش رایانه و فن‌آوری چند رسانه‌ای در آموزش عالی
برجستگی نقش اخلاقی و فرهنگی دانشگاه	اهمیت نقش دانشگاه در تولید دانش و انباشت مهارت‌های فکری، حرفه‌ای و خدمات تخصصی

افزایش جمعیت (خصوصاً جمعیت جوان در جوامع در حال توسعه)، گسترش آموزش همگانی ابتدایی و متوسطه، همراه با رشد طبقه متوسط، بر فراوانی تقاضا برای ورود به دانشگاه با نرخ رو به تزایدی افزوده است. خصوصاً گسترش روزافزون فن‌آوری

در زمینه‌های ارتباطات و اطلاع‌رسانی، جامعه بشری را بانیزهای جدیدی روبرو ساخته است. در این شرایط، نقش مؤثرتری از دانشگاه برای پاسخگویی باین نیازها انتظار می‌رود.

از سوی دیگر، گرایش اقتصاد به جهانی شدن (globalization)، آزاد شدن (liberalization) و رشد زمینه‌های ذهنی و عینی مردم سالاری و گسترش ارتباطات سبب شده است که دانشگاه نیز، خواه ناخواه، روز به روز از قیومت دولتی بیرون بیاید و به بازار و متغیرهای سیال عرضه و تقاضا روی آورد؛ از آن رو که ناگزیر است به جای ارائه خدمات آموزشی رسمی به رشته‌هایی تعیین شده و ثابت که برحسب روال و سابقه تاریخی بر عهده او گذاشته شده است، در اندیشه آموزشهای فنی، حرفه‌ای و موردی، برای پاسخگویی به نیازهای کاربردی و مسائل امروزی و تقاضاهای جدید نهادهای جامعه مدنی باشد. دغدغه آموزش عالی، امروز این است که دانش‌آموختگان آن بتوانند از «دانش کارآمد» و فن‌آوری و مهارت‌های حرفه‌ای برخوردار شوند تا بتوانند کارآفرینی کنند و مشاغل تازه پدید آورند.

دانشگاه در آستانه قرن بیست و یکم، افزون بر مسائلی مانند اعتبارات و ضرورت کارآمد بودن و حرفه‌ای شدن با چالش‌های جدی دیگری نیز روبه‌روست؛ چالش‌هایی مثل کنترل کیفیت (quality control) و مناسبت (relevance)، همکاری‌های بین‌المللی، عدالت آموزشی و جز آن رو به رو است.

کنفرانس جهانی آموزش عالی برای گفتگو و رایزنی درباره تحولات و چالش‌های آموزش عالی و مشخص نمودن وظایف اصلی دانشگاهها در قرن آینده و نیز خط‌مشی‌هایی که دولتها باید در این زمینه پیش بگیرند، از ۵ تا ۱۹ اکتبر ۱۹۹۸ (۱۳ تا ۱۷ مهر ۱۳۷۷) در مقر یونسکو در پاریس برگزار شد. در این کنفرانس ۱۸۳ کشور، ۱۲۸ مؤسسه دولتی، ۴۶۴ سازمان غیر دولتی، ۲۴۵ دانشگاه و سازمان دانشجویی، آژانسهای سازمان ملل متحد، بسیاری از شخصیت‌های دانشگاهی و مسؤولان برنامه‌ریزی آموزش عالی کشورها (از جمله ۱۱۵ وزیر آموزش عالی) و بیش از ۳۰۰ دانشجو به نمایندگی از سازمانهای دانشجویی کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند^۱. از این کنفرانس به

عنوان یکی از وقایع مهم در امر آموزش عالی، در دهه‌های پایانی قرن بیستم، نام برده می‌شود.

بحث‌های تخصصی این کنفرانس در چهار گروه اصلی صورت پذیرفت:

۱- مناسبت (relevance)،

۲- کیفیت (quality)،

۳- مدیریت و بودجه (management & finance)،

۴- همکاری بین‌المللی (international cooperation).

موضوعاتی که با شرکت همه نمایندگان در کنفرانس مطرح می‌شد در سه دسته قرار گرفته بود:

- روز اول: آموزش عالی و توسعه (Higher Education and Development)

- روز دوم: فرآیندهای جدید و نوآوریها در آموزش عالی

(New Trends and Innovations in H.E.)

- روز سوم: آموزش عالی، فرهنگ و جامعه (H. E. Culture and Society)

در هر روز چهار موضوع و، در مجموع، دوازده موضوع به بحث گذاشته شد که عبارت بودند از:

۱- مقتضیات دنیای کار

(The Requirements of the World of Work)

۲- آموزش عالی و توسعه انسانی پایدار

(H. E. and Sustainable Human Development)

۳- همکاری در توسعه ملی و منطقه‌ای

(Contributing To National and Regional Dev.)

۴- آموزش عالی و توسعه هیأت علمی

(Higher Education and Staff Development)

۵- آموزش عالی برای جامعه جدید

(H. E. for a New Society)

۶- از دانشگاه سنتی تا مجازی (فن‌آوری‌های نوین اطلاع‌رسانی)

(From Traditional to Virtual: The New Information Technologies)

۷- آموزش عالی و پژوهش (چالش‌ها و فرصت‌ها)

(Higher Education and Research - Challenges and Opportunities)

۸- تأثیر آموزش عالی در کل نظام آموزشی

(The Contribution of H. E. to Education System as a Whole)

۹- زنان و آموزش عالی

(Women & H. E.)

۱۰- اعتلای فرهنگ صلح

(Promoting a Culture of Peace)

۱۱- بسیج برای ارتقای فرهنگ

(Mobilizing the Power of Culture)

۱۲- خودگردانی، مسئولیت اجتماعی و آزادی علمی^۲

(Autonomy, Social Responsibility and Academic Freedom)

در پایان کنفرانس، اعلامیه جهانی آموزش عالی با ۱۷ ماده به عنوان سند رسمی کنفرانس به تصویب هیأت‌های شرکت‌کننده رسید. در این گفتار سعی بر این است که برگزیده‌ای از مباحث کنفرانس و مواد اعلامیه به اختصار بیان شود:

۱- آموزش عالی و چالش میان فرهنگ بومی و جهانی

در دنیای امروز، به رغم وجود شبکه‌های گسترده ارتباطی و اطلاعاتی که از آن به «دهکده جهانی» تعبیر می‌شود، تکثر بسیار متنوعی را نیز می‌توان مشاهده نمود. وحدت آن آغشته به کثرت، و جهانی شدن آن دیوار به دیوار بوم‌گرایی و هویت‌خواهی است. در این میان، آموزش عالی نیز نسخه‌ای جهانشمول و الگویی یکتا و منحصر بفرد ندارد

بلکه الگوهای متنوعی را می‌پذیرد تا در عین هماهنگی با فرهنگ مشترک جهانی، با اولویتها و مقتضیات بومی نیز تناسب و تلازم داشته باشد و بتواند، برای تولید علم بومی، دانش سنتی و محلی و تجارب تاریخی و درونی را با علم و فن آوری موج جهانی و رهیافتهای پویای بین‌الذلهانی ترکیب نماید.

۲- آموزش عالی و همکاریهای بین‌المللی

در شرایط پیچیده کنونی، توسعه و تعالی زندگی انسان و تحقق ارزشهای والایی چون تفاهم، احترام متقابل، همبستگی و صلح جهانی، بیش از پیش به همکاری بین‌المللی (خصوصاً در ارتباط شمال- جنوب و جنوب- جنوب) از جمله در عرصه آموزش عالی و بین دانشگاهها نیازمند است.

از طریق مشارکت جهانی در فعالیتهای آموزشی و پژوهشی و خدماتی، تحرک و خلاقیت آکادمیک و تنوع و گستره نقش علمی و فنی دانشگاهها و پویایی آنها بیشتر امکان ظهور پیدا می‌کند و نرخ انباشت جهانی دانش در جهت حل مسائل و معضلات حیات انسان افزایش می‌یابد. موجبات همسخنی، همفهمی و همزیستی بین‌المللی فراهم می‌آید و فضای بی‌اعتمادی و بیگانگی از محیط جهانی رخت بر می‌بندد.

به این منظور، دانشگاهها نیازمند راهکارهای چاره‌ساز و مؤثری هستند تا ضمن برقراری شبکه تعاملی، تبادل جهانی دانش و فن آوری، به گفتگوی میان فرهنگها و تمدنها نیز یاری برسانند. در این زمینه، می‌توان به سازوکارهایی اشاره کرد مانند اجرای برنامه‌های تحصیلی چند زبانه، مبادله دانشجو و هیأت علمی، سفرهای مطالعاتی، برقراری شبکه‌های نوین و پیشرفته علمی و اطلاع‌رسانی (مثل اینترنت و تار جهانگستر) و هماهنگ نمودن معیارهای اندازه‌گیری و ارزیابی تحصیلات دانشگاهی و مهارتهای تخصصی و علمی (آکادمیک) در سطوح منطقه‌ای و جهانی.

همکاری بین‌المللی در زمینه آموزش عالی از جمله می‌تواند در جهت تغییر روند فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شود. تحقق این امر، افزون بر اینکه نیازمند سیاستگذاریهای مناسب و مؤثر داخلی از سوی کشورهای در حال توسعه -

مانند ایجاد امنیت و سایر زمینه‌های مساعد و جاذبه‌های بومی و ملی - است، به هماهنگی‌هایی در سطوح بین‌المللی نیز احتیاج دارد تا مراجعت دائم یا موقت متخصصان ممتاز را به کشورهای اصلی خود، هموار و تسهیل کند.^۳

۳- آموزش عالی و دانشگاه مجازی (Virtual University)

یکی از تحولات مفهومی آموزش عالی در دنیای کنونی پدید آمدن دانشگاه نمادین و مجازی است که تفاوت‌های اساسی با دانشگاه سنتی به صورت متعارف فیزیکی و متعین آن دارد. این تحول بنیادین، در پرتو یک رویکرد پدیدار شناختی، بهتر قابل توصیف و ارزیابی است و نگرش‌های ساختارگرایانه به آموزش عالی به دشواری می‌تواند از عهده توجیه این دگرگونی ژرف بر آید.

دانشگاه مجازی با مفهوم و کارکردهایی از بن متفاوت با دانشگاه سنتی ظاهر می‌شود و بیشتر فرآیندی است که از طریق دارای به آن اشاره می‌شود نه با یک سازمان معین دارای تشکیلات و وظایف ثابت و محدود؛ به جای تشکیلاتی بسته و سازمان محدودی از دانشکده‌ها و بخش‌های مشخص، حوزه گسترده‌ای از عملیات آموزشی و پژوهشی و کارکردهای متبوع خدماتی را در بر می‌گیرد.

دانشگاه مجازی فاصله‌ها را در می‌نورد؛ در درون جامعه با سایر عرصه‌ها - مثل صنعت، خدمات، رسانه‌ها (اعم از مؤسسات دولتی و غیر دولتی و ...) - رابطه برقرار می‌کند و در بیرون نیز، ضمن حفظ حریم هویت بومی و ملی، ارتباط خلاق و گسترده‌ای با شبکه‌های متنوع منطقه‌ای، قاره‌ای و بین‌المللی پدید می‌آورد.

دانشگاه روز به روز آن فضا - زمان محدود و تشکیلات ثابت و متعین را از دست از دست می‌دهد و به صورت یک فرادانشگاه (meta - university) در می‌آید که با فن‌آوری‌های نوین اطلاع‌رسانی و ارتباطی (New Information and Communication Technologies=NICT) تعریف می‌شود^۴ و میدانی نامتعیین و پیوسته متحول و متموج از «دانش سیال جهانی» است.

در دانشگاه مجازی، ساختمانها، اتاقها و تالارهای آموزش و استماع به مفهوم سنتی،

جای خود را به حوزه‌های گوناگون موردی و صندلیهای مجازی و ارتباطاتی نمادینی از طرحهای آموزشی، پژوهشی و خدماتی می‌دهند که زمان و مکان را می‌پیمایند و آموزشهایی متنوع و مختلف‌الزمان (asynchronous) و از راه دور را در بر می‌گیرند.^۵

۴- آموزش عالی و تحول ساختار اعتباری و تنوع منابع مالی و نیاز به حمایت ملی دانشگاهها، در گذشته، بیشتر تحت قیمومت حکومتها بودند و طبعاً هزینه‌شان نیز توسط آنها تأمین می‌شد. اما بر اثر دگرگونیهایی که در آغاز مقاله به آنها اشاره شد، خودگردانی به صورت یک ضرورت مطرح می‌شود و ساختار اعتباری دانشگاه متحول می‌گردد. آنها، خواه ناخواه و به اقتضای تغییرات بنیادین نظام اجتماعی، برای خود منابع مالی متنوعی را جستجو و منظور می‌کنند.

حوزه سرمایه‌گذارهای غیر دولتی به قلمرو آموزش عالی نیز نفوذ می‌کند. بازار و نظام عرضه و تقاضا، مدیریت دانشگاهها را به فکر تأمین بخشی از اعتبارات خود از طریق ارائه خدمات تخصصی و عرضه تحقیقات موردی سوق می‌دهد. نکته مهمی که باید افزود این است که، با همه تحولات یاد شده، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، دولت همچنان یکی از منابع مهم مالی برای دانشگاه شناخته می‌شود و دانشگاه در کنار سایر تکیه‌گاههای اعتباری خود بناگزیر باید به دولت ملی نیز متکی باشد. هر چند این به صورت قیمومیت مالی سنتی نخواهد بود، اما دست کم دانشگاه نیازمند آن است که از طریق فروش بخشی از خدمات خود به دولت، اعتبار مورد نیاز را تأمین نماید.^۶

از این گذشته، هنوز دانشگاه نیازمند یک بسیج حمایتی ملی از طریق آگاهی عمومی، خانواده‌ها و سایر نهادهای اجتماعی است و حق خود می‌داند که انتظار داشته باشد بخشهای دولتی و خصوصی اقتصادی با او همکاری و مشارکت کنند و سازمانهای دولتی و غیر دولتی - مانند مجلس، رسانه‌ها و ... - با فرآیندهای آموزش عالی، مساعدت و هماهنگی نشان دهند. این میسر نمی‌شود جز آنکه آموزش عالی نه به عنوان یکی از وزارتخانه‌های دارای ساختمانها و فضاهای متمایز، بلکه در مقام نمادین خود که به

صورت مشاور تخصصی و خادم علمی و فنی، در همه بخشها حضور و مشارکت دارد، ارزیابی گردد. هر جا که یک بسته اطلاعاتی (به صورت ذهن، کتاب، نرم افزار و ...) به کار می آید، هر جا که یک دانش آموخته فن آور نقشی دارد (در کارخانه، بازار، خدمات، بیمارستان، مدیریت، برنامه ریزی و محیط زیست و ...) دانشگاه همان جاست.

۵- آموزش عالی و مسؤولیت پاسخگویی (Accountability)

دانشگاه در کنار مفهوم ملی و فراگیر خود که بدان اشاره شد، در عین داشتن استقلال، خودگردانی و آزادیهای آکادمیک، باید در قبال استفاده خود از منابع عمومی، خصوصی، ملی و بین المللی، احساس مسؤولیت و جوابگویی به جامعه، مسؤولان و دیگر بخشها را نیز پیوسته مورد توجه قرار دهد.^۷

همان طور که دانشگاه از ارج و احترامی در جامعه برخوردار است، متقابلاً انتظاراتی هم از آن می رود که، بطور بی وقفه، به مناسبت (relevance) خود با جامعه و نیازهای متحول و بازار کار (world of work) فکر کند و خود را با فرهنگ بومی و محیط زیست، موزون و متوازن سازد؛ آموزشهای خود را کارآمد و معطوف به حل مسائل جامعه (problem oriented teachings) نماید؛ دانش آموختگانش را انسانهایی طراح، خلاق و کارآفرین^۸ (entrepreneur) و دارای مهارتهای عملی برای ورود به میدانهای کار و زندگی تربیت کند؛ میان پژوهشهای بنیادی و کاربردی خود، تعادل برقرار کند؛ پاسخگوی نیازها و اولویتهای بخشهای دیگر باشد و در امحای فقر، بیسوادی، گرسنگی، بیماری، و رفع زمینههای عدم مدارا، خشونت و حفظ محیط زیست، مشارکتی جدی و نقشی مؤثر ایفا نماید.

۶- آموزش عالی، آینده نگری، پویایی و کنترل کیفیت (Quality Control)

اگر دانشگاه همواره باید از پویایی، تحرک و قابلیت انعطاف برخوردار باشد، در عصر تحولات پرشتاب کنونی، این ضرورت خود را به صورتی مضاعف نشان می دهد. در یک جامعه متلاطم اطلاعاتی و رقابتی، «دانشگاه ایستایی» که به آموزشهای

یکنواخت رسمی و تکراری به سبک سنتی، و تولید انبوه فارغ‌التحصیلانی مدرک به دست، غیر ماهر، غیر حرفه‌ای و جویای کار حاضر و آماده دل خوش کند، چگونه می‌تواند نقش خود را در نیل به توسعه پایدار ایفا نماید.

دانشگاه به عنوان یک فرآیند، برای حفظ پویایی درونزای خود، احتیاج به برنامه‌ریزی آینده‌نگر، کنترل مداوم کیفیت و بهبود روشها دارد. از جمله لازم است که برنامه‌ریزی درسی، محتوای دروس، شیوه‌های تدریس، تحقیق، سازماندهی، کارگزینی، نحوه ارائه خدمات و اداره محیط دانشگاه را قابل انعطاف و روزآمد کند و خود را همواره در معرض تجربه‌های تازه قرار دهد.^۹

۷- آموزش عالی و دستیابی عادلانه

دسترس به فرهنگ و آموزش عالی، حق مشترک همه مردمان است و باید بتوانند به مقدار شایستگی و تلاش شخصی و بدون محرومیت - به لحاظ داشتن جنس، زبان و دین خاص و تمایزات طبقاتی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و یا ناتوانی و معلولیت جسمانی - به دانشگاه دستیابی داشته باشند. عدالت آموزشی و فنی زمانی تحقق می‌پذیرد که اقلیتهای فرهنگی و زبانی و قومی، همچنین ملت‌هایی که سرزمینشان در اشغال بیگانگان است و امثال آنها بتوانند همچون دیگران از آموزش عالی بهره‌مند شوند. در این زمینه، لازم است به نهادهای آموزش عالی، در مناطقی که دچار جنگ یا بلاهای طبیعی شده‌اند، توجه خاصی به عمل آید.

۸- آموزش عالی، و نقش پیشرو و سازنده آن در فرهنگ و حیات معنوی ملتها

امروز اگر چه ممکن است که، در نگاه اول، کارکردهای فنی، بازاری و فن مدارانه (تکنوکراتیک) آموزش عالی بیشتر نمایان باشد، اما نقش فرهنگ ساز و اجتماعی دانشگاه به عنوان یک نهاد مدنی پیشرو، همچنان از اهمیت ویژه برخوردار است.

دانشگاه سازمانی اجتماعی - صنفی و علمی است که اعضای مؤثر آن، اعم از هیأت علمی و دانشجویان، کسانی هستند که سروکار بیشتری با اطلاعات و ارتباطات دارند و

می‌توانند تفکر خلاق و بدیعی تولید کنند و در تعریف دوباره مسایل و امور مربوط به دانشگاه و طراحی و سازماندهی مجدد تجارب و آزمونها، نقش تعیین کننده داشته باشند. به مسائل مطرح اجتماعی و فرهنگی پردازند و آنها را از نو مورد ارزیابی و داوری قرار دهند. خصوصاً در دنیای کنونی که با بحرانهای معنوی و اخلاقی حادی دست به گریبان است، به اشاعه ارزشهای مهم زیست - اجتماعی چه در حوزه فرهنگ بومی و چه در عرصه فرهنگ جهانی - مثل عدالت، احترام، حقوق بشر، دیگر پذیری، دموکراسی، صلح بین الملل، حفظ محیط زیست، توسعه پایدار و خودشکوفایی معنوی انسان - یاری برسانند.

پی‌نوشتها

۱- بنگرید به :

نماینده جمهوری اسلامی در یونسکو؛ آموزش عالی در آستانه قرن بیست و یکم، (گزارش از ... کنفرانس جهانی آموزش عالی)؛ پاریس، مهر ۱۳۷۷.

2- UNESCO; **Higher Education in the 21st Century, Thematic Debates in Brief;**

Paris, 1998, ED-98/CONF. 202/CLD-43.

3- UNESCO; H. E. ... **Working Document;** ED-08/CONF. 202/CLD-23, PP 60-72.

4- UNESCO; **From Traditional to Virtual...;** ED-98/CONF, 202/CLD-18.

5- op. cit.

6- UNESCO; H. E, ..., **Working Document ...;** chapter 4, PP 43-59.

7- UNESCO; **Towards an Agenda 21 for H. E;** ED-98/CONF, 202/CLD-19, P14.

8- Michal Gibbons; **H. E. Relevance in the 21st Century;** C. W. U.,

1998, Chapter 2 & 3, PP 10-55.

9- UNESCO; **H, E, ..., Working Document ...;** PP 35-42.